

رویارویی با بی‌کیفری تروریسم؛ راهبردی نوین در پرتو تحولات نظام حقوق بین‌المللی کیفری

بهزاد رضوی فرد*

پیمان نامامیان**

چکیده

نارضایتی افکار عمومی دنیا از بی‌کیفر ماندن مجرمان جنگ اول جهانی موجب شد تا پس از وقوع یک جنگ جهانی دیگر، این سؤال در اذهان بین‌المللی تداعی شود که «آیا باز هم آنان در امان خواهند ماند؟» تجربه تلخ جنگ، درگیری، کشتار و خونریزی در ابعاد گوناگون جهانی موجب شد تا بعد از جنگ جهانی دوم جامعه بین‌المللی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تدابیری متناسب اتخاذ کند. در واقع، می‌توان ادعان داشت که تجارب حاصل از این مخاصمه‌ها، جامعه بین‌المللی را تکان داد و این فکر را به وجود آورد که باید تدابیری اساسی و کارآمد برای مجازات جنایتکاران جنگ اتخاذ شود تا بدین‌وسیله از تکرار جنایات دهشت‌بار و حتی بروز جنگ، پیشگیری شود. از طرفی، امروزه با گسترش اشکال مدرن و نوین پدیده تروریسم، لازم است راهبردهای سنجیده‌ای پیش‌بینی شود. از این‌رو، امروزه در نظام حقوق بین‌المللی کیفری وجود «پدیده بی‌کیفری» به مثابه چالش و معضلی گسترده در رویارویی با تروریسم به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد اعمال قواعد متقن نظام حقوق بین‌المللی همچون استرداد، تعقیب کیفری، صلاحیت جهانی و به‌ویژه همکاری کیفری بین‌المللی کشورها با دیوان، موجبات تحقق امحای بی‌کیفری را در مبارزه با تروریسم فراهم می‌نماید. این مقاله ضمن ارائه تعریفی واضح از بی‌کیفری، جایگاه، شرایط و اعمال قواعد مزبور را در پایان دادن به پدیده تروریسم، مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی

تروریسم، معاهدات ضد تروریسم، بی‌کیفری، استرداد، صلاحیت جهانی، دیوان کیفری بین‌المللی

* استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

Email: razavi1351@yahoo.com

** عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه (نویسنده مسئول)

Email: p_namamian1512@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۱۰

فصلنامه راهبرد / سال بیست و چهارم / شماره ۷۶ / پاییز ۱۳۹۴ / صص ۵۹-۳۳

جستارگشایی

از زمان پیدایش اراده‌ی اعضای جامعه‌ی بین‌المللی برای برخورداری از یک همزیستی مسالمت‌آمیز در سطح جهان و بین خود، با عمری کمی بیشتر از نیم‌قرن، ضرورت پیش‌بینی و تنظیم سلسله مقررات و قواعد محدودکننده‌ی حقوق و آزادی‌های دولت‌ها که درعین حال، حافظ نظم و امنیت بین‌المللی از یک سو و حافظ حقوق و آزادی‌های فردی از سوی دیگر باشند، احساس شده است. این مقررات و قواعد، مثل هر قاعده‌ی حقوقی دیگر، شامل دو جزء حکم و ضمانت اجرا هستند. نداشتن ضمانت اجرا، حکم حقوقی را به یک توصیه و نصیحت مبدل می‌سازد، که در این صورت، اثر حقوقی و اجرایی بر آن مترتب نیست. در حقوق بین‌الملل، ضمانت اجراها انواعی دارند که در حقوق داخلی شناخته‌شده نیست. ضمانت اجرای تخلف از قواعد حقوق بین‌الملل، برحسب نوع و ماهیت قاعده، متفاوت است. نقض تعهد بین‌المللی گاه تنها تخلفی است که مابازاء یا ضمانت اجرای آن جبران خسارت است؛ اما گاه شدیدتر از یک نقض ساده است به طوری که عمل، جنبه‌ی «جرم بین‌المللی» به خود می‌گیرد. جرائم بین‌المللی که بیشتر قراردادی هستند، دارای ضمانت اجرای شدیدتر از یک نقض ساده هستند. این جرائم که بیشتر قراردادی هستند، ضمانت اجرای مؤثر خود را در نظام حقوق داخلی می‌یابند و کنوانسیون‌ها، بیش از آنکه امضاکنندگان را مکلف به پیش‌بینی مقررات کیفری در حقوق ملی کنند، نوعاً حکمی مقرر نمی‌دارند (Mullins & Rothe, 2010: 771-786).

درنهایت، گاهی نقض تعهد بین‌المللی شدیدتر است به طوری که جنبه‌ی «جنایت بین‌المللی» به خود می‌گیرد که در این صورت، مقررات حقوق بین‌المللی کیفری دخالت کرده، جامعه‌ی بین‌المللی بعضاً وارد عمل می‌شود و تعقیب، محاکمه و مجازات را رأساً به عهده می‌گیرد (گیلبرت، ۱۳۹۱: ۲۳-۲۱ و نامیان، ۱۳۹۳: ۱۸-۱۵).

در چند دهه‌ی اخیر، به موازات سیر صعودی کنش‌های تروریستی در سطح بین‌المللی، لزوم اتخاذ واکنش‌های ضد تروریستی ضرورت پیدا کرده است و در این راستا کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی تصویب و منعقد شدند. این تدابیر معطوف به الزام دولت‌ها به جرم‌انگاری داخلی، صلاحیت محاکم کیفری ملی و پیش‌بینی تدابیری برای پیشگیری از اقدامات تروریستی بوده است، اما این روند مبارزاتی به کاهش این پدیده منجر نشده است (صابر و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۴۸).

۱. پیشینه و برخی نمونه‌ها

تهدیدی که تروریسم بین‌المللی برای صلح و امنیت بین‌المللی ایجاد کرده است، تهدیدی جدی

محسوب می‌شود. آمار موجود حاکی از آن است این پدیده نسبت به آنچه که اغلب تصور می‌شد، چالشی کم‌اهمیت برای نظم و رفاه جهانی نیست؛ بنابراین، باید در کنار دیگر چالش‌های بی‌شمار و متعدد عصر حاضر، مورد اهتمام واقع شود (Anderson, 2009: 331-335). با این حال، امروزه بی‌کیفری همچنان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی صلح و امنیت بین‌المللی است. «الی روزنبوم» سرپرست بخش جنایی ادارهٔ تجسس ویژهٔ وزارت دادگستری ایالات متحده اظهار می‌دارد: «قرن بیستم عصر ظلم، شرارت و عصر بی‌کیفری نام گرفته است. پی بردن به علت آن دشوار نیست. برآورد شده است که تنها بین سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۰۰، دقیقاً ۱۶۹ میلیون غیرنظامی توسط دولت‌ها و سازمان‌های شبه‌دولتی به قتل رسیده‌اند. این آمار بسیار تکان‌دهنده، هزاران هزار سخن دربارهٔ ضرورت مبرم اقدام به اجرای سازمان‌یافته و تهاجمی قانون، برای دستگیری مرتکبان جرائم جنگی، نسل‌کشی و جنایات ضد بشری و کشاندن آنها به محضر عدالت دارد» (Gutman, 2000: 25-27).

یک مصداق جدید، وجود دست‌وپا گیر بی‌کیفری وقایعی است که پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۷ در کنیا رخ داد. این اواخر، کنیا پیرامون تداوم بی‌کیفری مقامات عالی‌رتبه که پس از انتخابات ۲۰۰۷ شکل گرفته، کشور را در آستانه جنگ داخلی قرار داده و با دیوان‌کیفری بین‌المللی درگیر شده است.^(۱)

خشونت پس از انتخابات ۲۰۰۷، ۱۲۰۰ شهروند کنیایی را به کام مرگ کشانده و ۵۰۰ هزار نفر را مجبور به ترک محل اقامتگاه خود کرده است. خشونت پس از آن در گرفت که *ام‌وای کیباکی*^۱ رئیس‌جمهور کنیا در شرف انتخابات مجدد بود و طرفداران وی متهم به تلاش برای تنظیم انتخابات به نفع کیباکی و علیه رقیب او *رایلا/ودینگا*^۲ شدند. در این رابطه «لوئیس مورنو اکامپو»^۳ دادستان دیوان کیفری بین‌المللی اظهار داشت: «آن زمان، پلیس اجازه داشت در رابطه با مقابله به مثل با شرایط بحرانی انتخابات، اعمال زور شدید نماید و یک گروه آماده‌باش برای حمله به غیرنظامیان تشکیل دهد». این حملات با درگیری‌های دیرینه قومی و اقتصادی که به‌واسطهٔ تقسیمات سیاسی در سال ۲۰۰۷ تشدید شده بود، ارتباط داشتند. گزارش‌هایی واصل شد که کل اجتماعات به بی‌نظمی کشیده شده‌اند و به عده‌ای از غیرنظامیان سلاح‌هایی واگذار شده است تا از آنها علیه همسایگان خود استفاده کنند.^(۲)

ادعا شد سیاست‌مداران عالی‌رتبه کنیا به برخی از این غیرنظامیان تازه مسلح شده، پول می‌دهند. یکی از بدترین قتل‌عام‌ها که از منظر جامعهٔ بین‌المللی، جنایت ضدبشری قلمداد شد،

1. Mwai Kibaki

2. Raila Odinga

3. Luis Moreno Ocampo

در یک کلیسا رخ داد که تنها حدود یک‌صد نفر که سعی داشتند از خشونت بگریزند، با به آتش کشیدن کلیسا، کشته شدند.

درست پس از وساطت کوفی عنان دبیر کل وقت سازمان ملل متحد در مذاکره صلح میان دو جناح ریاست جمهوری بود که آن خشونت پایان گرفت. بخشی از شروط «توافقنامه صلح کیبکی و/ودنیگا»^۴ ناظر به توافق تقسیم قدرت بود که قرار شد/ودنیگا به نخست‌وزیری منصوب شود و کیبکی همچنان رئیس‌جمهور باشد.^۵ این توافقنامه صلح شامل یک مقرر هم بود که بر اساس آن می‌بایست افراد مسئول آن خشونت یا در کنیا یا در دیوان کیفری بین‌المللی محاکمه می‌شدند (Kuperstein, 2010: 65). سه سال پس از حوادث فوق، مقامات کنیایی حاضر به تشکیل دادگاهی جهت رسیدگی به جرائم نشدند.^۶

با وجود این، دیوان در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۰ به‌طور علنی شش کیفرخواست را به علت جنایات ضد بشری ارتکابی پس از انتخابات ۲۰۰۷ بررسی کرد. افرادی که کیفرخواست علیه‌شان تنظیم شده بود شامل *اومورا کنیاتا*^۷ معاون نخست‌وزیر و وزیر دارایی؛ *فرانسیس کی‌ریمی مودورا*^۸ منشی کابینه؛ *محمدحسین علی*^۹ رئیس پلیس سابق؛ *هنری کاسجی*^{۱۰} وزیر صنعت؛ *ویلیام روتو*^{۱۱} وزیر آموزش و پرورش؛ و *جاشوا آراپ سانگ*^{۱۲} مدیر اجرایی رادیو بودند.

بنابراین، پس از اقدام دیوان، بسیاری از شهروندان کنیایی معتقد بودند به‌طور کلی این دادرسی‌ها برای مبارزه با فرهنگ بی‌کیفری ریشه گرفته در کشوری بحرانی امری قابل پذیرش است، اما این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که «آیا متهمان داوطلبانه در دیوان حضور خواهند یافت یا اینکه همچون نمونه‌های پیشین، همچنان از چنگال عدالت خواهند گریخت؟»^{۱۳}

یک مصداق قدیمی، اما مشهور در خصوص عواقب بی‌کیفری، «ساخته لاکربی» است. در روزهای انتهایی سال ۱۹۸۸ پرواز ۱۰۳ پان امریکن مطابق زمان‌بندی از فرودگاه هیترو لندن^{۱۴} عازم فرودگاه جی/اف کی نیویورک بود که توسط بمبی بر فراز لاکربی در اسکاتلند منهدم شد (Boyd, 2001: 125-129). ۲۴۳ مسافر و ۱۱ خدمه سوار بر هواپیما همگی کشته شدند.^(۳)

4. The Peace Agreement's Terms Had Kibaki and Odinga
5. Kenya Election Violence: ICC Names Suspects, supra note 2.
6. Kenya Election Violence: ICC Names Suspects, supra note 2.
7. Uhuru Kenyatta, Deputy Prime Minister and Finance Minister
8. Francis Kirimi Muthaura, Secretary to the Cabinet
9. Mohammed Hussein Ali, Former Police Chief
10. Henry Kosgey, Minister for Industrialisation
11. William Ruto, Suspended Education Minister
12. Joshua Arap Sang, Radio Executive
13. Kenya Election Violence: ICC Names Suspects, supra note 2.
14. London's Heathrow Airport

یک سال بعد بمب دیگری پرواز ۷۷۲ یو تی/ی فرانسه را بر فراز صحرای بزرگ آفریقا منهدم کرد که ۱۷۲ کشته شامل همسر سفیر امریکا در چاد به جا گذاشت.^(۴) لازم به ذکر است که روش و سبک بمب‌گذاری در هر دو اقدام یکسان بود (Reynolds, 2003: 58-61).

سه سال بعد به موجب شهادت بالغ بر پانزده هزار شاهد، دو تبعه لیبی به نام‌های «عبدالباسط علی مگراهی»^{۱۵} مأمور جاسوسی لیبی و «لامین خلیفه فهیم»^{۱۶} مدیر شرکت هواپیمایی عرب لیبی به بمب‌گذاری پان امریکن متهم شدند. درخواست امریکا، انگلستان و فرانسه در رابطه با هر دو پرواز ۱۰۳ پان امریکن و ۷۷۲ یو تی/ی برای استرداد آنان از سوی لیبی نادیده گرفته شد که این مسئله به تحریم‌های سازمان ملل متحد منجر شد.^(۵) پس از مخالفت مجدد لیبی با استرداد اتباع خود، شش لیبیایی در دادگاه فرانسه به علت بمب‌گذاری یو تی/ی به‌طور غیابی متهم، محاکمه و محکوم شدند (Reynolds, 2003: 87-91). تقریباً محاکمه افراد مسئول بمب‌گذاری در پروازهای ۱۰۳ پان امریکن و ۷۷۲ یو تی/ی پانزده سال به طول انجامید.^(۶)

بنابراین، سانحه لاکربی از نظر مبارزه با بی‌کیفری یک موفقیت به شمار می‌رود. معلوم نیست با کیفرخواست‌های صادره علیه شش مقام عالی‌رتبه کنیا درباره خشونت پس از انتخابات این کشور چگونه رفتار خواهد شد؛ اما آنها هم این ظرفیت را دارند که با محاکمه افرادی که بیشتر از همه مسئول جنایت‌های ضد بشری هستند، در محاکم کنیا یا در دیوان کیفری بین‌المللی به‌گونه‌ای قابل‌پذیرش، خاتمه پیدا کنند (بیگی و خوشیاری حاجی‌بابا، ۱۳۹۱: ۱۸۹-۱۹۱).

۲. مفهوم‌شناسی در بستر مبارزه با بی‌کیفری

بحث از بی‌کیفری در حقوق بین‌الملل کیفری، اخص از عدم وجود ضمانت اجرا در این نظام حقوقی است. مواردی که در حقوق بین‌الملل تحت عنوان «جرم و جنایت» شناخته شده است و مستلزم واکنش کیفری تلقی می‌شوند، به نسبت موارد نقض تعهدات و مقررات بین‌المللی، بسیار اندک هستند.

هرگاه بحث از پدیده بی‌کیفری می‌شود، اصل بر آن است که عملی که تحقق یافته، ناقض مقررات قانونی بوده و قانون برای عامل آن، کیفری پیش‌بینی کرده است. برای تعلق کیفر به یک شخص، ناگزیر، ابتدا باید مسئولیت کیفری وی نیز احراز شود.

15. Abdel Basset Ali al-Megrahi, Libyan Intelligence Officer

16. Al Amin Khalifah Fhimah, Manager at Libyan Arab Airlines

در معنایی ساده به زبان حقوقی، «بی‌کیفری» عبارت است از «به مجازات نرسیدن کسی که مرتکب جرم شده است». از دیدگاه حقوق بین‌الملل کیفری که در برخی موارد نقض حقوق بشر را موجب مسئولیت کیفری می‌داند، بی‌کیفری بدین معناست که «عاملان نقض حقوق بشر از هر گونه تحقیق، تعقیب، دستگیری و محاکمه بگریزند و به مجازات متناسب با رفتار ضد انسانی خود نرسند». (Paulussen, 2012: 11-12)

در گذشته، اندیشه مبارزه برای اجرای عدالت به وسیله مجازات جنایتکاران، گاهی فرصت بروز می‌یافت؛ اما مبارزه با بی‌کیفری، به معنایی که ذکر شد، امروزه ابعادی گسترده یافته و تلاش‌های مستمر و فراوانی صورت پذیرفته است تا جنایتکاران به دست عدالت سپرده شوند. چنان که در پی تحولات یکی دو دهه گذشته، این مبارزه، همچون یکی از عوامل اصلی برقراری حاکمیت قانون و تضمین ارزش‌های مشترک بشری به شمار می‌آید.^(۷)

قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت مربوط به مسائل و موضوع‌های گوناگون وجود دارد که در آنها مفهوم «مبارزه با بی‌کیفری» به کار رفته است؛ برخی آرای اخیر دیوان بین‌المللی دادگستری که به شیوه خود ضرورت این مبارزه را مقرر نموده است و همچنین عملکرد مراجع قضایی بین‌المللی و ملی برای محاکمه جنایتکاران، گواه درک اهمیت و ضرورت این مبارزه برای اجرای عدالت در سطح بین‌المللی است (Paulussen, 2012: 14).

پدیده بی‌کیفری، هر چند در حقوق بین‌الملل کیفری از حیث مصادیق، علل و عوامل، مختلف است، اما مفهوم آن یکسان است. در مفهوم، بی‌کیفری عبارت است از «مصون ماندن فرد ناقض قوانین کیفری از تحمل ضمانت اجرای پیش‌بینی شده برای آن عمل». (آزمایش، ۱۳۸۷: ۲۰-۱۸؛ نامیان و طیبی، ۱۳۹۱: ۱۱۸-۱۱۷)

در نظام حقوق بین‌الملل کیفری، علاوه بر برخی از مصادیق فوق که مورد بحث قرار می‌گیرند، علل و عوامل دیگری نیز قابل ملاحظه هستند. به‌عنوان مثال، با مراجعه به مواد اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، عدم تعریف جنایت تجاوز یا عدم حصول یک توافق جمعی در تعریف و شناسایی این جنایت، ملاحظه می‌شود^(۸) (نامیان، ۱۳۸۶: ۱۴). از آنجا که تا سال ۲۰۱۷ که این جنایت قابل تعقیب، محاکمه و مجازات نخواهد بود و با توجه به اینکه ماده ۱۶ اساسنامه، با اعطای اختیار توقیف دادرسی که در دیوان جریان دارد، به شورای امنیت و از طرفی تمدید این توقیف، در واقع اجازه بی‌کیفری را صادر کرده است. ماده ۹۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، به‌ویژه با تفاسیری که از طرف مؤلفان آمریکایی درباره آن به عمل آمده است، اجازه می‌دهد که مواردی از جنایات بین‌المللی در دیوان قابل طرح و رسیدگی نباشد و در نتیجه، بی‌کیفری به طور رسمی مورد تأیید واقع شود. مواردی از عدم همکاری دولت‌ها که

حتی در متن اساسنامه نیز به آن اشاره شده است، در سطح بین‌المللی جاری است که مانع تعقیب، محاکمه و سزادهی جنایتکاران و مجرمان بین‌المللی می‌شود.

پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود این است که با توجه به اعلام اراده بین‌المللی در دیباچه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و قبل از آن در سازمان ملل متحد از سال ۱۹۵۰ مبنی بر ضرورت تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبان جنایات بین‌المللی و پایان مصونیت‌ها و التزام دولت‌ها در این مبارزه، «چگونه ممکن است بی‌کیفری در حقوق بین‌المللی کیفری و در سطح نظام بین‌المللی تا این حد گسترده وجود داشته باشد؟» به این پرسش این‌گونه می‌توان پاسخ داد که بی‌کیفری در حقوق بین‌المللی، بیشتر ناشی از ماهیت خود حقوق در نظام بین‌المللی است. این نظام حقوقی، همچنان که گفته شد، با نظام حقوق داخلی تفاوت دارد (آزمایش، ۱۳۸۷: ۲۰).

سازمان ملل متحد در موضوع مجازات افراد و مقاماتی که مرتکب نقض فاحش حقوق بشر شده‌اند، به‌طور جدی وارد شده است. مسئله عمر البشیر، رئیس‌جمهور سودان و حسن ابره، رئیس‌جمهور سابق چاد، نمونه‌هایی از این موارد هستند. اقدامات اتحادیه آفریقا نیز در این راستا قابل توجه است. این اتحادیه قصد دارد برای خود دیوان کیفری تأسیس کند (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۱۸-۹۳). زیرا نمی‌خواهد عمر البشیر و دیگر مقامات آفریقایی توسط غربی‌ها محاکمه شوند. این نشان می‌دهد به هر حال اقدامات مقابله با بی‌کیفری نتیجه داشته است که اتحادیه آفریقا به فکر چنین کاری افتاده است و به دنبال ایجاد ساختاری برای این مسئله است.

از سوی دیگر، سازمان‌های منطقه‌ای نظیر اتحادیه آفریقا، اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس بیش از گذشته در صحنه بین‌المللی فعال شده‌اند و سازمان ملل متحد همکاری نزدیکی با این سازمان‌ها داشته است. این ثمره بحثی است که آقای پتروس غالی پس از خاتمه جنگ سرد، در گزارش خود در ۱۷ ژانویه ۱۹۹۲ با عنوان «دستور کاری برای صلح» مطرح کرده بود.

به نظر می‌رسد این رویکرد بسیار حائز اهمیت باشد که سازمان ملل متحد بخشی از وظائف خود در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را با همکاری سازمان‌های منطقه‌ای ایفا کند و یا به آنها اختیاراتی واگذار کند؛ اما بحث اساسی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که؛ متأسفانه سازمان‌های منطقه‌ای از بازوی اجرایی مناسبی برخوردار نیستند که قطعنامه‌های سازمان ملل را اجرا کنند. به عنوان نمونه، در خصوص بحران‌های کوزوو یا افغانستان می‌توان گفت که سازمان‌های منطقه‌ای فاقد ابزارهای لازم برای اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل و

حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بودند. با وجود این، در حال حاضر رویکردی در سازمان‌های منطقه‌ای به وجود آمده است که برای خود ابزارهای اجرایی نیز ایجاد می‌کنند. حتی شورای همکاری خلیج فارس هم به فکر ایجاد یک بازوی اجرایی افتاده است؛ بنابراین، انتقال مسئولیت از سازمان ملل به سازمان‌های منطقه‌ای اقدام خوبی است اما به شرطی که آن سازمان منطقه‌ای با برخورداری از امکانات و ابزارهای اجرایی خود بتواند تصمیمات شورای امنیت در آن منطقه را به‌ویژه در خصوص تروریسم اجرا نماید. امروزه، بدون شک تشدید رفتارها و جنایات تروریستی و عقب ماندن جوامع بین‌المللی و منطقه‌ای در واکنش به این پدیده شوم، به‌ویژه در منطقه خاورمیانه، تداعی نوعی بی‌کیفری لاینحل در زمینه مقابله و مبارزه با تروریسم را ایجاد نموده است.

۳. قلمرو جرم‌انگاری تروریسم در اسناد بین‌المللی

از سال‌ها پیش، مبارزه با تروریسم یکی از موضوعات عمده مورد نظر جامعه بین‌المللی بوده است. نخستین حرکت منسجم در این خصوص به دوران جامعه ملل بازمی‌گردد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد در آن دوره، جامعه بین‌المللی شاهد اقدامات تروریستی عدیده بود و بسیاری از مقامات دولتی، عمومی و همچنین اماکن دولتی و عمومی مورد هدف قرار گرفتند (قربان‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۵۷-۱۵۵).

تأسیس سازمان ملل متحد به جای جامعه ملل به زمینه‌ای برای مقابله با تروریسم، منجر شد. در آغاز فعالیت این سازمان، موضوع، تعریف و نحوه مقابله با تروریسم به طور همزمان مورد توجه مجمع عمومی و شورای امنیت قرار گرفت. از این‌رو، سازمان ملل متحد، در راستای اهداف مذکور در سطح بین‌المللی، تهیه، تدوین و به تصویب رساندن کنوانسیون‌های بین‌المللی را در دستور کار خود قرار داده است (معظمی و نامیان، ۱۳۹۳: ۲۱۷-۲۱۵).

بنابراین، در دهه‌های اخیر شمار زیادی از کنوانسیون‌های بین‌المللی مفتوح که ابعاد معین از تروریسم را مورد توجه قرار داده است، جهت مشارکت جهانی، در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای، تنظیم و تصویب شده است که در کنار هم پایه و اساسی استوار را برای توفیق در مبارزه با تروریسم فراهم می‌آورد (کوشا و نامیان، ۱۳۸۷: ۱۸۹-۱۸۷؛ کوشا و نامیان، ۱۳۸۹: ۴۲۳-۴۲۱).

هدف اصلی این کنوانسیون‌ها، ایجاد دریچه‌ای برای همکاری میان دولت‌ها و مقامات قضایی و اجرایی آنها است. موفقیت این همکاری‌ها در گرو این امر است که تا حد ممکن تعداد بیشتری از دولت‌ها در این همکاری‌ها شرکت کنند. در غیر این صورت، قواعد و مقررات این

کنوانسیون‌ها، با توافقات دوجانبه و چندجانبه‌ای که در خصوص معاضدت قضایی یا استرداد مجرمان وجود دارد، تفاوت چندانی ندارد. دستاورد مهم کنوانسیون‌های ضد تروریسم سازمان ملل متحد، علاوه بر جرم‌انگاری انواع گوناگونی از اقدامات تروریستی، غلبه بر موانع قضایی برای محاکمه جرائم مرتبط با تروریسم بوده است (دونل، ۱۳۹۱: ۲۴۱-۲۳۹).

بنابراین، کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم سازمان ملل متحد سعی دارند با توسعه مبنا و اساس صلاحیت قضایی کشورها در مورد جرائم تروریستی این مشکلات را مرتفع نمایند، از جمله در جایی که رابطه‌ای میان مجرم و کشور دستگیرکننده او وجود ندارد، مگر حضور محض مجرم فراری در قلمرو سرزمینی که وی را دستگیر می‌کند (نماین، ۱۳۸۸: ۱۶۷). مقررات قضایی فوق در یک چارچوب بسیار گسترده شکل می‌گیرند و برای به حداکثر رساندن امکانات محاکمه جرائم تروریستی منظور شده‌اند که از طریق موارد ذیل صورت می‌پذیرد:

۱. با تضمین اینکه جرائم مربوطه در قوانین کیفری داخلی گنجانده شده‌اند؛
 ۲. با اطمینان یافتن از اینکه دولت‌ها از صلاحیت قضایی در مورد جرائم مربوطه برخوردار هستند و آن را اعمال می‌کنند؛
 ۳. با اطمینان از اینکه دولتی که مجرم را در بازداشت دارد؛ یا او را محاکمه خواهد کرد یا او را به قصد محاکمه شدن مسترد خواهد کرد؛
 ۴. با تضمین اینکه وقتی کشور بازداشت‌کننده محاکمه را انجام ندهد، توافقتنامه‌های استرداد مجرم به‌طور مؤثر عمل خواهند کرد (معظمی و نمایان، ۱۳۹۳: ۲۱۸).
- تعهد اصلی مقرر در معاهدات بین‌المللی ضد تروریسم، گنجاندن جرائم مقرر در معاهده مورد نظر حقوق کیفری داخلی و مجازات آنها به‌وسیله احکامی است که شدت جرم را منعکس می‌کنند؛ بنابراین راهبردهای لازم برای صلاحیت قضایی بسیار گسترده به محاکم، در خصوص جرائم مورد بحث، شامل صلاحیت قضایی مبتنی بر درون‌مرزی بودن، صلاحیت قضایی مبتنی بر ملیت مجرم و قربانیان مطابق کلیه معاهدات، صلاحیت قضایی مبتنی بر حضور محض فرد مظنون در قلمرو کشور، است.

علاوه بر این، آنها تعهد نسبت به استرداد هر مجرم فراری مظنون و شروع جلسه‌های دادرسی کیفری علیه او را پذیرفته‌اند. این معاهدات به‌منظور تسهیل استرداد مجرم، به‌طور جدی تصریح کرده‌اند که جرائم مورد نظر، جرم سیاسی شناخته نخواهند شد؛ زیرا به‌موجب بیشتر معاهدات مربوط به استرداد، جرم سیاسی استرداد‌پذیر نیست. به علاوه، این معاهدات، انواع گوناگون همکاری در میان دولت‌های عضو را از همکاری در پیشگیری از اقدامات

تروریستی گرفته تا همکاری در بازجویی و محاکمه جرائم مرتبط، الزامی می‌دانند.

۴. اجرای قواعد استرداد یا تعقیب: سازوکاری در مقابله با بی‌کیفری

تروریسم

زمانی که دولتی، صلاحیت کیفری نسبت به مجرمی را دارد که در قلمرو دولت دیگر است، تنها ابزار حقوقی که می‌توان به‌واسطه آن مجرم فراری را در مقابل محکمه آن دولت حاضر نمود، استرداد است. استرداد، تحویل متهم از سوی دولتی که متهم در قلمرو آن حضور دارد، به دولت خواهان استرداد به‌منظور محاکمه یا اجرای حکم است. در حال حاضر در چارچوب نظام حقوق بین‌الملل، دولت‌ها در استرداد مجرمان تکلیفی ندارند و چنین امری تنها می‌تواند از یک معاهده استرداد ناشی شود (کرمزاده، ۱۳۸۱: ۷۴).

بر پایه چارچوب مقرر و در خصوص تروریسم، می‌توان گفت که اغلب اقدامات تروریستی از سوی اتباع خارجی در قلمرو سرزمینی یک کشور بیگانه ارتکاب می‌یابند. در چنین مواردی، کشورهای قربانی به‌طور معمول از اختیارات تعقیب افراد به دلیل جرائمی که در خارج از قلمرو سرزمینی‌شان واقع شده‌اند، برخوردار نیستند. از این رو، زمانی که یک متهم یا محکوم از یک کشور به کشور دیگر می‌گریزد تضمین استرداد وی مستلزم همکاری میان کشورهاست. به‌طور معمول، در چنین مواقعی از توافق‌نامه استرداد استفاده می‌شود که رویه قضایی آن مبتنی بر درخواست و رضایت است. توافق‌نامه استرداد معمولاً تمایل یک کشور برای مشارکت در محدودیت جرم و جنایت را منعکس می‌سازد؛ زیرا بسیاری از کشورها مایل نیستند مکانی برای نگهداری یک مجرم باشند. از این رو، به‌واسطه درخواست محض یک کشور، دیگر هیچ تعهد الزام‌آوری بر کشورها جهت استرداد مجرم تحمیل نمی‌شود. باوجود این، چنانچه کشورها عضو معاهده‌ای بشوند، تعهد الزام‌آور استرداد مجرم را موردپذیرش قرار داده‌اند. این معاهدات طبق معمول، مشروط بوده و شرایطی دارند، همانند تضمین دادرسی عادلانه.^(۹)

کشورها به‌موجب اصول و مبانی نظام حقوق بین‌المللی در قبال استرداد یا تعقیب تعهد دارند که از نظر دیوان بین‌المللی دادگستری سطح اصول و ضوابط الزام‌آور حقوق بین‌الملل را ارتقا می‌دهد.^(۱۰) جدا از قواعد عمومی استرداد، اصول و ضوابط الزام‌آور حقوق بین‌الملل یک اصل پیش‌دستی حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود که غیرمؤثر بودن آن امکان‌پذیر نیست.^(۱۱) یک اصل از اصول و ضوابط الزامی به قدری دارای اعتبار است که هرگونه معاهده مغایر با خود، شامل منشور ملل متحد را بی‌اعتبار می‌کند و قرینه نوعی حقوق طبیعی مدرن است. به‌عنوان

مثال، دادگاه ویژه بررسی پرونده سیدرمن بلاک^{۱۷} در برابر جمهوری آرژانتین معتقد بود «حق رهایی از شبه جرم به موجب حقوق بین‌الملل از عالی‌ترین جایگاه برخوردار است؛ یعنی یک اصل از اصول و ضوابط الزام‌آور به شمار می‌رود.»^(۱۲)

به علاوه، کاربرد جهانی قواعد استرداد یا تعقیب که به‌طور صریح یا ضمنی از سوی کشورها به اجرا درآمده است و همین‌طور شمار کامل کشورهای امضاکننده بسیاری از کنوانسیون‌های مشتمل بر تعهدات الزام‌آور مؤید قواعد استرداد، به‌عنوان اصول و ضوابط الزام‌آور موجود است. قضات مخالف در پرونده لیبی در برابر انگلستان از این پیشنهاد حمایت کردند و اعلام نمودند که استرداد یا تعقیب حق کشورهاست که در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. قاضی اجیبولا^{۱۸} در نظر مخالف خود نوشت: «به نظر من و با استناد به کنوانسیون ۱۹۷۱ مونترال، لیبی از حق قانونی حمایت برخوردار است. استرداد یا تعقیب حقی است که در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است و حتی عده‌ای از حقوقدانان آن را یک اصل الزام‌آور می‌دانند. من با همکاران خود، به‌ویژه قاضی ویرامانتری^{۱۹} موافقم که لیبی در صورت تمایل، محق به تعقیب دو لیبیایی متهم است.»^(۱۳)

لازم به ذکر است، توافقنامه‌های منطقه‌ای در جنوب آسیا، اروپا و سراسر دنیا به‌طور مشابه از استرداد یا تعقیب حمایت می‌کنند.^(۱۴)

با وجود استرداد یا تعقیب و جایگاه آن به‌عنوان یک اصل الزام‌آور که اغلب نادیده گرفته می‌شود، کشورها عادتاً از این تعهد بین‌المللی چشم‌پوشی کرده‌اند^(۱۵)؛ اما سانحه لاکربی یک مصداق است. لیبی و رهبر آن معمر قذافی در حدود پانزده سال، با اعلام صریح صلاحیت قضایی خود، از استرداد اتباعش که متهم به بمب‌گذاری تروریستی بودند، به دادگاه‌های بیگانه، سر باز زد (بیگ‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۹-۳۸)؛ حتی این دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شد. هر چند امکان داشت ادعای لیبی نسبت به صلاحیت قضایی مورد پذیرش باشد، اما لیبی در آغاز از تعقیب اتباع خود به علت جرمی که احتمالاً مورد تکریم و حمایت قذافی و رژیمش بودند، خودداری ورزید (Reynolds, 2003: 25). این اقدام به نقض قواعد بین‌المللی استرداد یا تعقیب و بی‌کیفری بالفعل برای این مجرمان منجر شد. از طرفی اختلافات جدی‌ای وجود داشت که لیبی به‌عنوان کشور حامی بمب‌گذاری تروریستی لاکربی، حتی اگر بخواهد، نمی‌تواند محاکمه عادلانه‌ای را علیه اتباع خود اجرا کند (Morris, 2005: 407).^(۱۶)

در واقع، عده‌ای پیشنهاد دادند که شاید لیبی با پرداخت خسارات مالی به بزه دیدگان

17. Siderman de Blake

18. Judge Ajibola

19. Judge Weeramantry

لاکربی موافقت کند. البته نه به واسطه مفهوم کلی وظیفه مبتنی بر حقوق بین‌الملل، بلکه فقط بعد از آنکه امریکا کشف کرد که لیبی طرح‌هایی برای برنامه هسته‌ای دارد و فشار چشمگیری بر این کشور وارد کرد (Labott, 2008: 58-59). به‌رحال با گذشت سال‌ها در حالی که لیبی از قاعده استرداد یا تعقیب تخلف کرد، به طور الزامی افراد مسئول حملات تروریستی مشمول بی‌کیفری بودند. چه یک کشور فقط تمایلی برای استرداد یا تعقیب مرتکبان مظنون نداشته باشد و چه به علت نگرانی در مورد حقوق بشر از استرداد سر باز زند؛ در هر صورت از تعهد مقرر در اصول و ضوابط الزام‌آور، یعنی استرداد یا تعقیب، چشم‌پوشی کرده است (Boyd, 2001: 145-148). به‌طور عملی، نتیجه آن، اعطای بی‌کیفری به افراد متهم یا محکوم در قبال جرائم ارتكابی است.^(۱۷) بخشی از مشکل این است که به‌طور معمول کشورها از صلاحیت قضایی رسیدگی به پرونده‌هایی که ماوقع آنها در خارج از مرزهایشان، با دخالت اتباع خارجی واقع شده است، برخوردار نیستند. استثناء اولیه این عدم صلاحیت قضایی، جرائمی است که تحت سیطره اصل صلاحیت جهانی قرار می‌گیرند. نظیر جنایات ضد بشری یا جنایات جنگی (Sponsler, 1969: 49-50).

۵. اعمال اصل صلاحیت جهانی در مواجهه با بی‌کیفری تروریسم

جرم بین‌المللی، پدیده‌ای نوظهور در جامعه جهانی معاصر محسوب نمی‌شود، اما میزان و گستره جرائم بین‌المللی بی‌سابقه می‌نماید. به واقع، هر لحظه در گوشه‌ای از کره خاکی به حقوق اساسی و بنیادین انسان‌ها به شدیدترین وجه ممکن تعرض می‌شود؛ اما مرتکبان این جرائم که عموماً در زمره کارگزاران دولتی هستند به انحاء مختلف از مجازات شدن می‌گریزند و عدالت کیفری در مورد آنان اعمال نمی‌شود (Ambos & Stegmiller, 2012: 22-24).

«صلاحیت جهانی» به حکم یا اصلی از حقوق بین‌المللی اشاره دارد که حق محاکمه متهمان را به دلیل جرائمی که به‌طور جهانی تقبیح شده‌اند، طوری که مرتکبان چنین اعمالی دشمن تمام مردم پنداشته می‌شوند را به دولتی اعطا می‌کند که آنها را در بازداشت نگه داشته است. بنا بر تمام اهداف عملی، صلاحیت قضایی مبتنی بر حضور محض متهم در قلمرو سرزمینی یک دولت، وقتی که به دلایل سنتی‌تر بر صلاحیت قضایی افزوده شود، معادل عملی صلاحیت جهانی خواهد بود. در این زمینه به زعم عمل‌گرایان گرایشی وجود دارد تا از این واژه به طور وسیع‌تر برای اشاره به نظام حقوقی‌ای استفاده کنند که تمام دولت‌های عضو یک معاهده را ملزم می‌سازد^(۱۸) تا علاوه بر آن، حکم «یا محاکمه یا استرداد» را جزئی از این مفهوم بدانند (دونل، ۱۳۹۱: ۱۸۸).

از این رو، اصل صلاحیت جهانی، مبین اختیار دولت‌ها برای تعقیب و مجازات اعمال ارتكابی در خارج از قلمرو آنها است. بدون آنکه عمل مجرمانه ارتكابی به واسطه تابعیت مظنون یا قربانی، یا لطمه به منافع مستقیم آن دولت، به وی مرتبط شود (کرم‌زاده، ۱۳۸۱: ۷۴-۷۳).

در واقع، در اعمال صلاحیت جهانی، یک دولت از جانب جامعه بین‌المللی جهت حفظ و اعاده نظم جهانی اقدام می‌کند. بدون آنکه ارتباط صلاحیتی در مفهوم سنتی با جرم ارتكابی داشته باشد. مجرم چنین جرمی نباید در هیچ جای کره خاکی پناهگاهی امن پیدا کند. طبق اصل صلاحیت جهانی، دولت‌ها می‌توانند صرف‌نظر از محل ارتكاب جرم، تابعیت مجرم، تابعیت مجنی‌علیه، یا اقامتگاه آنها، مرتکب را مورد تعقیب و مجازات قرار دهند، مرتکبی که در قلمرو خود به او دسترسی پیدا کند (Hall, 2010: 201-245).

اصل صلاحیت جهانی، ابتدا در حوزه مبارزه با راهزنی دریایی و خریدوفروش برده پدیدار شد و سپس به سایر جنایات بین‌المللی، مثل نسل‌کشی و جرائم علیه بشریت تسری یافت؛ (جرائم بین‌المللی ذاتی) یعنی جرائمی که ارزش‌های اساسی جامعه بین‌المللی را مورد تعرض قرار می‌دهند (نماین، ۱۳۹۱، ۲۸۱-۲۷۹؛ میلانوویچ، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

برخی از اعمال مجرمانه بین‌المللی، همچون تروریسم، هواپیماربایی، آپارتاید و ... نیز از رهگذر کنوانسیون‌های بین‌المللی، تحت شمول اصل صلاحیت جهانی قرار گرفتند؛ بنابراین، مبنای اصل صلاحیت جهانی، ماهیت جرم ارتكابی؛ و هدف آن اعتلای نظام جهانی از رهگذر مجازات مرتکبان جرائم بین‌المللی است (زمانی، ۱۳۸۷: ۷۴-۷۳).

البته اصل صلاحیت جهانی، قابلیت‌های زیادی در مقابله با پدیده بی‌کیفری و در عین حال، سوءاستفاده ابرازی از انگیزه‌های غیرحقوقی دارد. بر همین اساس، همواره باید بر محدودیت‌های آن تأکید ورزید. اصل صلاحیت جهانی تنها در مقابله با جرائم بین‌المللی قابل استناد می‌نماید، جرائم بین‌المللی در مفهومی که مورد پذیرش و شناسایی جامعه جهانی قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر، این اصل، توجیهی برای تعرض به حاکمیت دولت‌ها جهت دستگیری مجرمان بین‌المللی نخواهد بود و نظام حقوق بین‌المللی هنوز از دایره اصل محاکمه یا استرداد پای را فراتر قرار نداده است (زمانی، ۱۳۸۷: ۷۴).

۵-۱. ماهیت و چارچوب

به طور کلی، وجود دو نوع صلاحیت قضایی جهت تعقیب یک شخص توسط یک کشور ضرورت دارد: صلاحیت برای تجویز؛ و صلاحیت برای اجرا. «صلاحیت تجویز» یعنی اختیار و اقتدار یک کشور برای اینکه قوانین ماهوی خود را برای اشخاص یا شرایط خاص کاربردپذیر سازد. «صلاحیت اجرا» یعنی اختیار و اقتدار یک کشور برای اجرای قانون علیه اشخاص خاص یا در

شرایط خاص. صلاحیت اجرا معمولاً به‌طور نسبی مشخص و اثبات آن به سهولت امکان‌پذیر است؛ زیرا کشورها از حق تعقیب افراد حاضر در مرزهای مستقل خود برخوردارند (Fry, 2002: 173). اما صلاحیت تجویز پیچیده‌تر است. با وجود این، بر اساس پنج اصل می‌توان از صلاحیت تجویز استفاده کرد: الف) «درون‌مرزی بودن»، یعنی اقدامات ارتكابی در داخل کشور تعقیب‌کننده واقع شده باشند؛ ب) «تابعیت»، یعنی فرد مظنون تبعه کشور تعقیب‌کننده باشد؛ پ) «حمایتی»، یعنی اقدامات ارتكابی چنان خسارت شدیدی را به کشور تعقیب‌کننده وارد کرده باشد که منافع حیاتی‌اش تهدید شده باشد؛ ت) «شخصیت منفعل»، یعنی بزه دیده، تبعه کشور تعقیب‌کننده باشد؛ ث) «جهان‌شمولی»، یعنی تمام کشورها قطع‌نظر از درون‌مرزی بودن یا تابعیت قربانی یا مظنون، اجازه دارند فرد را تعقیب کنند.

فائق آمدن بر صلاحیت تجویز اغلب بسیار دشوار است، اما بسیاری از محاکم صلاحیت لازم جهت تجویز راجع به جرائم تحت صلاحیت جهانی را کسب کرده‌اند (Schaack, 2001: 147-153). در مورد جرم دزدی دریایی، مثلاً، دزدان دریایی مرتکب اقدامات خشونت‌آمیز می‌شدند، سپس با شتاب‌زدگی حوزه قضایی را ترک و کشور بزه دیده را گرفتار یک معضل تمام‌عیار می‌کردند (تروس، ۱۳۹۱: ۴۶-۴۳). به‌عنوان مثال، دیوان عالی آمریکا در پرونده «اسمیت» بر این دیدگاه بود که دزدان دریایی، دشمن کل بشریت و مشمول مجازات از سوی تمام کشورها هستند.^{۱۹)} مصادیق امروزی صلاحیت جهانی با محاکم «نورنبرگ» و «توکیو» در خصوص جنایات جنگی بعد از جنگ دوم جهانی شکل می‌گیرند که این نوع صلاحیت را برای پوشش دادن به جنایات جنگی و جنایات ضد بشری گسترش داده‌اند (Sponsler, 1969: 49-50). از سال ۱۹۴۰، صلاحیت جهانی گسترش بیشتری پیدا کرد و تجارت برده، قاچاق مواد مخدر و شبه‌جرم را هم در بر گرفت (Scharf, 2001: 369). چند کشور اروپایی صلاحیت جهانی را در حقوق داخلی خود به‌کار بسته‌اند (Schaack, 2001: 147-153).

در گذشته، به‌منظور استرداد «ژنرال/گوستو پینوشه»^{۲۰} شیلیایی به اسپانیا (Roht-Arriaza, 2001:311)؛ به‌منظور توانمندسازی اسرائیل برای محکومیت «دلف آیشمن»^{۲۱} به علت ارتكاب جنایاتی علیه یهودیان در هولوکاست (Roth, 2001: 15-16) و به علت رأی آمریکا در پرونده دمجانجوک^{۲۲} در برابر پتروفسکی^{۲۳} برای استرداد یک نگهبان نازی در اردوگاه مرگ به اسرائیل به دلیل اینکه دشمن کل بشریت محسوب می‌شد، به صلاحیت

20. General Augusto Pinochet

21. Adolf Eichmann

22. Demjanjuk

23. Petrovsky

جهانی توسل شده است^(۲۰) (Aceves, 2000: 162-164). امروزه به‌طور معمول جنایات ضد بشری، جنایات جنگی و جنایات نسل‌کشی در چارچوب صلاحیت جهانی قرار می‌گیرند و به‌موجب آن هر دولتی می‌تواند صرف‌نظر از تبعیت متهم یا درون مرزی بودن به تعقیب چنین جرائمی بپردازد (Sponsler, 1996: 49-50). از آنجا که در بررسی‌های فوق مشخص می‌شود که معیار و ملاک شمول اصل صلاحیت جهانی، نوعاً شدت و وقاحت جنایات ارتكابی است، بدیهی است که تروریسم نیز به‌ویژه در نوع مدرن خود- که در حال حاضر در جریان است- و به‌صورت بین‌المللی و فراگیر در حال نابودسازی زیرساخت‌های بسیاری از کشورها است نیز مشمول اصل صلاحیت جهانی قرار می‌گیرد.

۵-۲. صلاحیت جهانی و نقش دیوان کیفری بین‌المللی

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در اول ژوئیه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد و برای اولین بار جامعه بین‌المللی را به یک دادگاه کیفری بین‌المللی مجهز ساخت. وجود دیوان، فارغ از محدودیت‌های صلاحیتی آن مؤید پیشرفتی بنیادین در نظام حقوق بین‌المللی کیفری است. افزون بر آن، دیوان با هدف ایجاد سازوکاری در تعقیب و مجازات اشخاص در عرصه بین‌المللی، مؤید گسترش توجه به حقوق بشر و پایان دادن به جلوه‌های بی‌کیفری در مواجهه با ارتكاب جرائم در سطوح بین‌المللی و جهانی است (رضوی‌فرد و فقیه‌محمدی، ۱۳۹۰: ۲۰۱-۱۹۸؛ رضوی‌فرد و دیرباز، ۱۳۹۲: ۶۷). مقدمه اساسنامه دیوان تصریح می‌کند که جدی‌ترین جرائم موجد نگرانی کل جامعه بین‌المللی نباید بی‌کیفر باقی بمانند و تعقیب مؤثر آن جرائم باید با اتخاذ اقدامات لازم در سطح ملی و از رهگذر اعتلای همکاری بین‌المللی صورت پذیرد تا به بی‌کیفری مرتکبان این جرائم پایان داده شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷: ۱۰۲-۹۵). این، وظیفه هر دولت است که صلاحیت جزایی خود را در مورد اشخاص مرتکب جرائم بین‌المللی اعمال کند. بر طبق ماده ۱۷ اساسنامه، صلاحیت دیوان تکمیلی است، به این معنا که دیوان فقط در مواردی دست به اقدام خواهد زد که دولت‌های ذی‌صلاح، تمایلی به اعمال صلاحیت نداشته یا از این امر ناتوان باشند (زمانی، ۱۳۸۷: ۷۵).

بنابراین، بر اساس اصل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، حق تقدم در رسیدگی به جرائم بین‌المللی تحت صلاحیت دیوان، اصولاً از آن دادگاه‌های ملی است. این امر باعث می‌شود که حریم اصل صلاحیت جهانی دادگاه‌های ملی محفوظ بماند. نگاه اساسنامه در ایجاد موازنه میان صلاحیت ملی دولت‌های عضو و صلاحیت دیوان باعث شده است تا اهتمام دادگاه‌های داخلی به اصل صلاحیت جهانی بیش از پیش توسعه یابد (Francis, 2010: 58-72). بنابراین، اهمیت اعمال صلاحیت جهانی به‌طور وضوح قابل‌ملاحظه است؛ زیرا در حال حاضر

هیچ دادگاه بین‌المللی صلاحیت استماع تمام پرونده‌های حقوق بین‌المللی کیفری را دارا نیست. به‌عنوان مثال، دیوان کیفری بین‌المللی تنها ظرفیت پذیرش انواع پرونده‌هایی که بدین شرح به آن ارجاع می‌شوند را دارد: نخست، تنها می‌تواند پرونده‌های مرتبط با نسل‌کشی، جنایات جنگی، جنایات تجاوز و یا جنایات ضد بشری را استماع کند. تروریسم عمده‌تاً به علت اختلاف‌نظرهای جهانی در خصوص تعریف آن، عمده‌تاً از این فهرست حذف شده است. دوم، دیوان فقط می‌تواند یک پرونده را در صورتی استماع نماید که جرم در قلمرو سرزمینی یک کشور عضو و یا توسط یکی از اتباع کشور عضو اساسنامه رم واقع شده باشد. سوم، دیوان فقط در صورتی که شورای امنیت پرونده‌ای را ارجاع دهد از صلاحیت قضایی برخوردار خواهد بود. چهارم، دیوان در واقع یک دادگاه به عنوان آخرین چاره است و لذا تنها تحت شرایطی صلاحیت قضایی دارد که یک کشور توانایی یا تمایل به بازجویی و تعقیب این مجرمان را نداشته باشد. در نهایت، پنجم، دیوان تنها می‌تواند افرادی را تعقیب کند که در قبال جرائمی که تحت صلاحیت قضایی قرار دارند، بیشترین مسئولیت را داشته باشند. در نتیجه اگر جامعه جهانی صرفاً به دیوان اتکا کند شمار زیادی از مجرمان هرگز اطاق محاکمه را هم نخواهند دید (نماین، ۱۳۹۱: ۳۳۷-۳۳۵).

با این اوصاف، اصل صلاحیت جهانی، اعم از آنکه موجد حق یا تکلیف رسیدگی برای دادگاه‌های ملی در مبارزه با واقعیت بی‌کیفری جرائم بین‌المللی قلمداد شود، نیازمند بستر اجرایی مناسب و امکانات لازم است. به‌طور خلاصه می‌توان عوامل زیر را به عنوان موانع فرآوری اجرای اصل صلاحیت جهانی در رابطه با تروریسم بیان نمود (زمانی، ۱۳۸۷: ۷۶-۷۵ و بیگ‌زاده، ۱۳۸۷: ۵۴-۲۷).

الف) فقدان یا عدم کفایت قوانین داخلی مورد نیاز؛

ب) عدم تمایل دادستان‌ها و قضات تحقیق به اعمال اصل صلاحیت جهانی در مورد تروریسم؛

پ) فقدان اراده سیاسی لازم در میان مقامات سیاسی برای مبارزه با تروریسم؛

ت) تضمینات ناکافی برای ممانعت از خروج از کشور، در مواردی متهمان جرائم بین‌المللی با کسب اطلاع از شروع تحقیقات در مورد اتهاماتشان توسط مقامات قضایی محلی، قبل از صدور قرار قضایی مناسب جهت در دسترس ماندن، سریعاً از کشور مزبور خارج شده‌اند؛^(۲۱)

ث) امتناع دادگاه‌ها از استرداد یا محاکمه فرد متهم به ارتکاب جرم بین‌المللی و نیز ابهام در مقررات قراردادی راجع به اولویت وظیفه تعقیب بر تکلیف استرداد (قضیه لاکربی)؛

ج) مشکلات قانونی و عملی جمع‌آوری ادله اثبات جرم متهم به ارتکاب جرم بین‌المللی.

۵-۳. تروریسم به مثابه جنایتی تحت صلاحیت جهانی

تروریسم به طور خاص به شدت موضوع بحث و جدل قرار گرفته است و عده کثیری نسبت به شمولیت آن به مثابه یک جرم ضد بشری یا جرم جنگی اعتراض دارند (Fry, 2002: 174) و دیوان هنوز به صراحت مدعی صلاحیت قضایی بر این جرم نشده است (Morris, 2005: 410). به طور کلی دو استدلال مهم به نفع تعمیم صلاحیت جهانی به تروریسم وجود دارد؛ نخست، تمام کشورها در تضمین صلح و امنیت جهانی که تروریسم آن را تهدید می کند ذی نفع هستند و لذا تمام کشورها باید قادر به تعقیب تروریست‌های متهم باشند. دوم، کشورهای ثالث زمینه بی طرفانه تری را برای تعقیب تروریست‌ها که اغلب شامل امور سیاسی است، فراهم می‌سازند. صلاحیت جهانی هنوز در جامعه بین‌المللی مورد نیاز است و دیوان هر پرونده‌ای را که می‌تواند یا احتمالاً باید بتواند، استماع نمی‌کند (Schaack, 2001: 144; Morris, 2005: 17). گاهی اوقات تعاریف بغرنج از آنچه به جنایت ضدبشری، جنایت جنگی و در کل به صلاحیت قضایی سر می‌زند، اجازه می‌دهد مجرمانی که نمی‌توانند آستانه بالای تعیین شده توسط دیوان و سایر دادگاه‌ها را برآورده کنند، مشمول بی‌کیفری بشوند. اعمال تروریستی نظیر وقایع پیرامون بمب‌گذاری لاکربی^(۲۲) (Morris, 2005: 412). حمله داعش به عراق و سوریه و کشتار معروف به اسپایکر در عراق^(۲۳) مبین این امر هستند. این نتیجه ناعادلانه مغایر با تمایل جدی جامعه بین‌المللی برای احراز مسئولیت کیفری فردی مجرمان در قبال جنایات ارتكابی و تضمین صلح و امنیت جهانی است (Harms, 2000: 162).

۶. فرایند مقابله با بی‌کیفری تروریسم؛ راهبردی نوین در حقوق بین‌الملل کیفری

در دو دهه اخیر تروریسم به مثابه یک پدیده مجرمانه با رشد فزاینده همراه بوده است؛ از این رو، علی‌رغم تلاش جامعه بین‌المللی در شناسایی و مبارزه با آن، تاکنون موفقیتی در این زمینه حاصل نشده است و این جرم به گونه‌ای شدید، خطرناک و با توسل به شیوه‌های مدرن در حال تکرار است؛ چرا که امروزه گروه‌های تروریستی با استفاده از تجهیزات و فناوری روز توانسته‌اند تقریباً در هر منطقه و مکانی که اراده کنند اقدامات خود را سازمان‌دهی کرده و به اجرا در آورند (سبزواری نژاد و نمامیان، ۱۳۹۳: ۱۸۵).

به علاوه، از آنجا که تاکنون تعریف جامعی از تروریسم ارائه نشده است، اما مطابق اسناد و معاهدات بین‌المللی، تروریسم باید در چارچوب جنایت ضدبشری یا جنایت جنگی قلمداد شود تا تروریسم در چارچوب صلاحیت جهانی قابل تعقیب باشد. اینکه کشورها در چارچوب تعهد

الزام آور استرداد یا تعقیب قرار دارند، این سؤال مطرح می‌شود: «به‌طور کلی چگونه می‌توان به بی‌کیفری اقدامات تروریستی پایان داد؟»

نخست، جامعه بین‌المللی باید با تعجیل شایسته، تعریف تروریسم را بپذیرد. از این‌رو، مصادیق تروریسم در چارچوب «کنوانسیون جامع ملل متحد راجع به تروریسم بین‌المللی»^(۲۴) شامل کشتار عمدی و غیرقانونی، تسبیب عمدی جراحت جسمی شدید، یا تسبیب عمدی خسارت شدید به اموال خصوصی و یا دولتی به منظور ارباب عموم مردم یا واداشتن دولت یک کشور به پیگیری یا عدم پیگیری یک عمل خاص می‌باشند. این یک توصیف مناسب و مکفی است که جامعه بین‌المللی به‌طور محتمل با آن موافقت خواهد کرد و هر زمان مقتضی باشد قید تحدید تعهد را اتخاذ خواهد نمود. تعریف تروریسم حائز اهمیت است؛ زیرا هر جرمی در چارچوب صلاحیت جهانی قابلیت تعقیب ندارد.

دوم، جامعه بین‌المللی پس از توافق در خصوص ماهیت تروریسم باید اذعان دارد که تروریسم به سهولت در چارچوب جنایات ضد بشری یا جنایات جنگی است. سوم، از آنجا که حسب موقعیت، تروریسم یک جنایت ضد بشری یا جنایت جنگی است، جامعه بین‌المللی باید تصدیق کند که کشورها می‌توانند صلاحیت جهانی را علیه تروریست‌های مظنون اعمال نمایند (Morris, 2005: 337).

چهارم، اینکه کشورها باید تعهد خود در قبال استرداد یا تعقیب اعمال ناروای بین‌المللی از قبیل تروریسم را به رسمیت شناخته و از آن پیروی نمایند و بدانند این تعهد، یک اصل الزامی است.^(۲۵) از آنجا که کشورها این تعهد غیر اثربخش را در برابر استرداد یا تعقیب دارند باید این تعهد بین‌المللی علیه تروریست‌ها را یا با استرداد یا با تعقیب متهم در هر جا که یافت شود تکمیل نمایند. با این حال، از آنجا که می‌توان تروریسم را یک جنایت ضد بشری و یا جنایت جنگی محسوب کرد، کشورها می‌توانند در صورت غیرممکن بودن استرداد، تروریست‌های مظنون را به موجب صلاحیت جهانی مورد تعقیب قرار دهند. به‌علاوه، با به‌کارگیری این چارچوب روشن می‌شود که تروریست‌ها در سراسر دنیا نمی‌توانند پشت پرده بی‌کیفری پنهان شوند.

یقیناً این رویکردی بدیع است. بر این اساس با پیوند مفاهیم فوق‌الذکر پایان بی‌کیفری تروریسم محقق می‌شود (Mazzochi, 2011: 101-102). از آنجا که تروریسم بزرگ‌ترین تهدید برای صلح جهانی امروز شناخته شده است، جامعه بین‌المللی بیشتر از همیشه برای پایان بی‌کیفری آن تحت فشار قرار دارد (نماینان و سهراب‌بیگ، ۱۳۹۱: ۱۲۴).

با توجه به تحولات یک دهه اخیر در چارچوب نظام حقوق بین‌المللی کیفری، در راستای

امر مقابله با بی‌کیفری اقدامات تروریستی گروه‌های تکفیری همچون گروه داعش، عملکرد سازمان ملل متحد قابل تأمل خواهد بود؛ چرا که طی شکل‌گیری جنایات ارتكابی گروه داعش، شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌رغم اتخاذ سیاست‌های گزینشی و دوگانه در مواجهه با اقدامات تروریستی، در شناسایی این گروه به‌مثابه یک گروه تروریستی مبادرت به صدور قطعنامه‌های ۲۱۶۰ (۱۷ ژوئن ۲۰۱۴)، ۲۱۶۱ (۱۷ ژوئن ۲۰۱۴)، ۲۱۶۹ (۳۰ ژوئیه ۲۰۱۴)، ۲۱۷۰ (۱۵ اوت ۲۰۱۴) و ۲۱۹۹ (۱۲ فوریه ۲۰۱۵) نمود. افزون بر این، در چارچوب حقوق مبارزه با بی‌کیفری تروریسم است که در این زمینه اولین موضوع، اثبات تروریستی بودن گروه داعش براساس معیارهای بین‌المللی است. از این رو، دو معیار برای شناسایی یک گروه به‌عنوان گروه تروریستی در حقوق بین‌الملل وجود دارد؛ معیار اول اینکه یک گروه اگر برخلاف حقوق بین‌الملل باشد، می‌تواند گروه را تروریستی جلوه دهد و معیار دوم؛ اقدامات گروه است که داعش بر مبنای هر دو معیار، تروریستی محسوب می‌شود و بر همین اساس لازم است دولت عراق و سایر دولت‌ها از طریق شورای امنیت سازمان ملل تلاش کنند تا گروه داعش ضمن درج در فهرست سازمان‌های تروریستی، آثار حقوقی متعدد بر عملکرد این گروه و حامیان آن اعمال شود. به‌علاوه، بر پایه اسناد، معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای ضد تروریسم دولت‌ها متعهدند تا از هر گونه حمایت از تروریست‌ها خودداری کنند و برای مبارزه با تروریسم با دیگر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی همکاری کنند (عبدالهی، ۱۳۹۳).

افزون بر آن، برای مقابله با بی‌کیفری مصادیق جنایات تروریستی ارتكابی گروه داعش به‌وضوح در مواد ۵ تا ۹ اساسنامه رُم دیوان کیفری بین‌المللی مقرر و تبیین شده است. بر اساس ماده ۷ این اساسنامه، این گروه مرتکب جرائم علیه بشریت و بر اساس ماده ۸ مرتکب جرائم جنگی شده‌اند. از این رو، اقدامات تروریستی در چارچوب تعریف جنایات علیه بشریت مقرر در ماده ۷ اساسنامه قرار می‌گیرد. بر این اساس، اقدامات تروریستی که به میزان کافی گسترده و سازمان‌یافته و در راستای پیشبرد سیاست دولتی یا سازمانی باشند، می‌توانند در چارچوب تعریف جنایات علیه بشریت قرار گیرد. به استناد اصول کلی که در مواد ۲۲ به بعد اساسنامه وجود دارد، هرگونه معاونت و مشارکت با این گروهک جرم محسوب می‌شود. با این تفاسیر، اصل جرمی که گروه داعش در حال ارتكاب آن است و نیز معاونت و شراکت با آنها در زمره جرائم علیه بشریت محسوب می‌شود و مرتکبان این جرم و معاونان و مشارکت‌کنندگان در این جرم نیز قابل تعقیب و پیگیری هستند.

با وجود این، اثبات جرائم ارتكابی توسط گروه داعش، موضوع چندان پیچیده‌ای نیست که یک کمیته حقیقت‌یاب نتواند در مقام بررسی ابعاد گوناگون موضوع و تحقیقات لازم باشد.

اساسنامه رُم به‌صراحت جرائم ارتكابی را پیش‌بینی کرده است و مؤثرترین راهبرد برای تعقیب کیفری این جرائم مطابق اساسنامه، آن است که شورای امنیت سازمان ملل متحد این موضوع را درخواست کند تا با این درخواست، کشورهایی که معاونت و مشارکت کرده‌اند، تحت تعقیب کیفری قرار گیرند. در همین زمینه بسیار به‌جا خواهد بود که مصادیقی از جرائم و جنایات تروریستی در کنفرانس کشورهای عضو اساسنامه دیوان که در سال ۲۰۱۷ تشکیل خواهد شد، مورد جرم‌انگاری قرار گیرند.

علاوه بر این، تأسیس یک محکمه کیفری مختلط در سوریه می‌تواند بستر ساز مقابله با بی‌کیفری و اجرای عدالت در فقدان محاکمه در دادگاه‌های داخلی سوریه و دیوان باشد (آقایی جنت‌مکان و قریشی، ۱۳۹۲: ۱۰۰۴).

فرجام

بی‌شک مبارزه با بی‌کیفری و مجازات مرتکبان جرائم نه تنها صلح و امنیت را در جوامع داخلی به ارمغان می‌آورد، بلکه نقش مهمی در صلح و امنیت پایدار در جامعه بین‌المللی هم دارد. بنابراین، مرتکبان جرائم باید تحت پیگرد، محاکمه و مجازات قرار گیرند، اما در عین حال، اجرای عدالت خود مستلزم رعایت حقوق مرتکبان جرائم در کلیه مراحل اعم از تحقیق و رسیدگی و همچنین احترام به اصول کلی حقوق کیفری است. وقایع حادث‌شده در کنیا و سانحه لاکربی و آنچه توسط داعش در حال وقوع است، اثبات کرده‌اند در عصر بی‌کیفری قرار داریم. همین امر، چالش‌های بسیار زیادی را بر رویکرد جامعه بین‌المللی به جرم تروریسم تحمیل می‌سازد.

جامعه بین‌المللی باید در مورد تعریفی جامع از تروریسم به توافق برسد و به همین دلیل تروریسم را به عنوان یک جنایت ضد بشری یا یک جنایت جنگی منوط به شرایط، طبقه‌بندی کند. پس از آن باید از صلاحیت جهانی برای تروریسم استفاده شود و این متجاوزان بزرگ به صلح و امنیت جهانی، مورد تعقیب یا مسترد شوند.^(۲۶) تنها با تحمیل تعهد استرداد یا محاکمه به عنوان یک هنجار از اصول و ضوابط الزام‌آور حقوق بین‌الملل بر کشورهاست که می‌توان تروریست‌هایی مثل تروریست‌های درگیر در بمب‌گذاری لاکربی را محاکمه کرد. اگر جامعه بین‌المللی این تعهدات را مفهوم‌سازی کند می‌تواند واکنشی عظیم را در خاتمه دادن به پدیده بی‌کیفری در مواجهه با اقدامات تروریستی صورت دهد.

افق و چشم‌انداز تأسیس و ایجاد یک مرجع کیفری بین‌المللی کارآمد و مؤثر، همواره نیازی است که در نظام بین‌المللی ضرورت آن به‌شدت احساس می‌شود. از این‌رو، دیوان کیفری

بین‌المللی برای انجام رسالت خود یعنی اجرای عدالت کیفری جهت تحقق صلح جهانی و مواجهه با بی‌کیفری، ناگزیر از داشتن ارتباط با دیگر نهادهای بین‌المللی است.

علاوه بر این، در اعمال اصل صلاحیت جهانی و مقابله با بی‌کیفری، دادگاه‌های ملی در واقع از جانب جامعه بین‌المللی اقدام می‌کنند و از این رو باید منافع بین‌المللی را بر منافع ملی اولویت دهند. اصل صلاحیت جهانی در چارچوب حقوق بین‌الملل عام قرار دارد؛ اما این امر بدان معنا نیست که این اصل در مورد تمام جرائم یا توسط همه دولت‌ها، بدون هرگونه محدودیت، اعمال شود. هنوز مسئله جرائم تحت شمول اصل صلاحیت جهانی به‌طور کامل حل نشده است، هرچند توافق بر این است که دزدی دریایی، بردگی و رویه‌های مشابه، جرائم جنگی، جرائم علیه بشریت و نسل‌کشی مشمول این اصل هستند. از سوی دیگر، هنوز حقوق بین‌الملل عام به این سؤال پاسخی دقیق نداده است که «آیا برای اعمال اصل صلاحیت جهانی، حضور متهم در کشور محل رسیدگی ضروری است یا خیر؟»

با این حال، شناسایی اصل صلاحیت جهانی و توسعه آن به قلمرو فراگیر در سطح جهان را باید به فال نیک گرفت. هرچند باید به انتظار نشست تا در پرتو رویه قضایی، به‌ویژه رویه دیوان کیفری بین‌المللی، کاربردهای مثبت اصل صلاحیت جهانی افزایش، و راه‌های سوءاستفاده از آن تقلیل یابد.

با وجود این، اگرچه در مقابله با پدیده بی‌کیفری در دیوان کیفری بین‌المللی و دیگر مراجع قضایی بین‌المللی، فعال و اثرگذار هستند، اما به دلیل محدودیت منابع مالی و امکانات، این مراجع امکان تعقیب و رسیدگی کامل عدالت کیفری را ندارند؛ چنان‌که دولت‌های محل وقوع ارتکاب جرائم بین‌المللی نیز به دلیل ناتوانی یا عدم تمایل، در ایفای کامل عدالت کیفری موفق نیستند. از این رو، برای پوشش خلأهای موجود ناشی در مراجع مزبور، نقش کلیدی سازمان ملل متحد به‌عنوان متولی اصلی حفظ صلح و امنیت جهانی در این میان بسیار برجسته‌تر از دیگر سازمان‌های بین‌المللی است که با تمرکز بر اجرای صحیح مقررات و معاهدات بین‌المللی، امکان مواجهه یا مقابله با بی‌کیفری را در کلیه جرایم و پدیده‌های دهشتناک بین‌المللی و جهانی را از طریق حصول اجماع میان دولت‌ها فراهم می‌کنند.

پانوشته‌ها:

- (1) Kenya Election Violence: ICC Names Suspects, BBC NEWS, Dec. 15, 2010, <http://www.bbc.co.uk/news/world-africa-11996652>
- (2) Kenya Election Violence: ICC Names Suspects, supra note 2
- (3) Clipper Maid of the Seas: Remembering Those on Flight 103, PAN AM (2001-2009), <http://www.panamair.org/accidents/lockerbievictims.htm> (noting that until September 11th,

2001.

- (4) http://www.crowell.com/PDF/PressReleases/2008-Jan_UTA-Flight-772_Press-Release_Crowell-Moring.pdf
- (5) S.C. Res. 731, 1-6, UN Doc. S/RES/731 (Jan. 21, 1992).
- (6) See Press Release, Security Council, Security Council Lifts Sanctions Imposed on Libya After Terrorist Bombings of Pan Am 103, UTA 772, U.N. Press Release SC/7868 (Dec. 9, 2003), available at <http://www.un.org/News/Press/docs/2003/sc7868.doc.htm>.
- (7) E/CN.4/2005/102/Add.1, 8 February 2005 (Hereinafter: Updated Impunity Principles): 6.
- (۸) لازم به ذکر است در ۳۱ مه تا ۱۱ ژوئن ۲۰۱۰ اولین کنفرانس بازنگری اساسنامه رُم به میزبانی «کامپالا» پایتخت اوگاندا با حضور چهار هزار و شش صد نماینده از دولت‌های عضو، دولت‌های ناظر، سازمان‌های بین‌الدولی، سازمان‌های غیردولتی و شخصیت‌های برجسته حقوقی و بین‌المللی به منظور بررسی اصلاحیه‌های پیشنهادی، ارزیابی دستاوردها و چالش‌های دیوان کیفری بین‌المللی برگزار شد. اجلاس مزبور طی زمان برگزاری به موضوعاتی چالش‌برانگیز در نظام بین‌المللی پرداخت که پیش‌تر در صلاحیت قضایی دیوان درج نشده بود. بر همین اساس، موضوعات مورد بحث و تبادل نظر که مبنای برگزاری آن بود بیشتر شامل بحث و تبادل نظر حول محور موضوعاتی همچون «ارزیابی چالش‌های دیوان کیفری بین‌المللی»، «تعریف جرم تجاوز»، «اصلاح ماده ۱۲۴ اساسنامه» و «افزایش تعداد جنایات جنگی مخاصمه داخلی در صلاحیت دیوان» بود که با در دستور کار قرار دادن مانحن‌فیه و مذاکرات طولانی سرانجام این کنفرانس با «وافق عام» موفق به تصویب قطعنامه اصلاح اساسنامه رُم در خصوص تعریف جرم تجاوز (البته قطعنامه مصوب کنفرانس مزبور در خصوص تجاوز دارای دو بخش عمده تحت عنوان ماده ۸ مکرر (تعریف جرم تجاوز) و ماده ۱۵ مکرر (نحوه اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی) است)، چگونگی اعمال صلاحیت اساسنامه دیوان و قطعنامه دیگری راجع به ممنوعیت به‌کارگیری سلاح‌ها و گازهای سمی یا خفه‌کننده در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی شد. مع‌ذلک، این در حالی بود که متأسفانه میان دولت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس بازنگری در خصوص ارائه تعریفی حقوقی از تروریسم توافق نظر حاصل نشد و این امر حتی منجر به عدم طرح موضوع در کنفرانس شد. البته این امر به طرح مسئله در کنفرانس بازنگری سال ۲۰۱۷ موکول شد. (تمامی، ۱۳۹۰: ۲۰-۱۹ و زمانی‌نیا، ۱۳۹۰: ۵۴-۴۳)
- (9) see also G.A. Res. 45/116, U.N. Doc. A/RES/45/116 (Dec. 14, 1990).
- (10) <http://www.icj-cij.org/docket/index.php?p1=3&p2=3&k=9c&case=88&code=luk&p3=3>
- (11) See Vienna Convention on the Law of Treaties, art. 53, May 23, 1969, U.N.T.S. vol. 1155 at 331; MARK JANUS, AN INTRODUCTION TO INTERNATIONAL LAW 62-66 (4th ed. 2003).
- (12) *Siderman de Blake v. Republic of Argentina*, 965 F.2d 699, 717 (9th Cir. 1992).
- (13) <http://www.icj-cij.org/docket/files/88/7105.pdf>.
- (14) See, e.g., SAARC Regional Convention on Suppression of Terrorism arts. I, II, VI, SOUTH ASIAN ASSOC. FOR REG'L. COOPERATION (Nov. 4, 1987), <http://www.saarc-sec.org/userfiles/Various%20Publications,%20Agreements,MOUs,%20%20Conventions.%20Charter%20s/PUBLICATIONS/Pdf/SAARC%20REGIONAL%20CONVENTION%20ON%20SUPPRESSION%20OF%20TERRORISM.pdf>. Convention for the Suppression of Unlawful Acts Against the Safety of Civil Aviation art. 7, 8, Sept. 23, 1971, 24 U.S.T. 565, 974 U.N.T.S. 178; Protocol for the Suppression of Unlawful Acts of Violence at Airports Serving International Civil Aviation art. 3, Feb. 24, 1988, 974 U.N.T.S. 177; Convention for the Suppression of Unlawful Acts Against the Safety of Maritime Navigation art. 10, Mar. 1, 1992, 1678 U.N.T.S. 221.

- (15) <http://www.icj-cij.org/docket/index.php?p1=3&p2=3&k=9c&case=88&code=luk&p3=3>.
- (16) Libya Accepts Lockerbie Blame, BBC NEWS, Feb. 25, 2004, <http://news.bbc.co.uk/2/hi/Africa/3487562.stm>.
- (17) <http://www.icj-cij.org/docket/index.php?p1=3&p2=3&k=9c&case=88&code=luk&p3=3>.
- (۱۸) دولتهایی که مقررات الزام آور برای تثبیت صلاحیت قضایی برون مرزی در مورد جرایم خاص دارند.
- (19) United States v. Smith, 18 U.S. 153, 156 (1820)
- (20) CA 336/61 Israel v. Eichmann 16(3) IsrSC 2033 [1962] (Isr.); Demjanjuk v. Petrovsky, 776 F. 2d 571, 582, 584 (6th Cir. 1985).
- (۲۱) عزت ابراهیم الدوری معاون نیروهای مسلح عراق و شورای فرماندهی انقلابی رژیم بعث، پس از آنکه دادستان وین تحقیقاتی را در مورد اتهام وی مبنی بر شکنجه آغاز کرد، به راحتی از اتریش خارج شد (سال ۲۰۰۱) و در ۱۶ ژانویه ۲۰۰۲ یکی از مقامات ارشد دولت تونس، یعنی «خالد بن سعید» پس از آغاز تحقیق در مورد اتهامش مبنی بر شکنجه، از فرانسه خارج شد.
- (22) S.C. Res 748, UN Doc. S/RES/748 (Mar. 31, 1992).
- (۲۳) در جریان این جنایت بیش از هزار و ۷۰۰ دانشجوی شیعه زیر ۲۰ سال دانشکده علوم هوایی ارتش عراق مستقر در پایگاه هوایی اسپایکر واقع در ۱۳ کیلومتری شمال غربی شهر تکریت به دست عناصر داعش و بعثی قتل عام شدند.
- (24) Ad Hoc Comm., Rep. on its 6th Sess., supra note 48, at Annex II, art. 2.1.
- (25) <http://www.icj-cij.org/docket/index.php?p1=3&p2=3&k=9c&case=88&code=luk&p3=3>
- (26) See generally United States v. Smith, 18 U.S. 153, 156 (1820).

منابع فارسی

- آزمایش، علی (۱۳۸۷)، "مفهوم بی کیفری در حقوق بین المللی"، **مجموعه مقالات همایش مقابله با بی کیفری و سازمان ملل متحد**، تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، چاپ نخست.
- آقایی جنت مکان، حسین و سیدمحمدجعفر قریشی (۱۳۹۲)، "سازوکارهای حقوقی کیفری بین الملل برای محاکمه تروریست‌های تکفیری در سوریه"، **فصلنامه سیاست خارجی**، شماره ۴: ۱۰۱۱-۹۸۹.
- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۷)، "موانع امحای بی کیفری"، **مجموعه مقالات همایش مقابله با بی کیفری و سازمان ملل متحد**، تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، چاپ نخست.
- بیگی، جمال و حاجی بابا رزاق خوشیاری (۱۳۹۱)، "بی کیفری مجرمان و مقابله با آن در آئینه حقوق بین الملل (با تأکید بر اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی)"، **همایش ملی حقوق بین الملل در آئینه علوم روز**، جهاد دانشگاهی واحد آذربایجان غربی.
- تروس، تولیو (۱۳۹۱)، "دزدی دریایی، حقوق دریا و کاربرد زور: پیشرفت‌های دور از سواحل سومالی"، ترجمه پیمان نمامیان، **مجله دادرسی**، شماره ۹۶: ۴۰-۳۳.
- دونل، دانیل (۱۳۹۱)، "معاهدات بین المللی ضد تروریسم و کاربرد تروریسم در درگیری مسلحانه توسط نیروهای مسلح"، ترجمه پیمان نمامیان و سبحان طیبی، **مجله حقوقی بین المللی**، شماره ۴۶: ۲۶۲-۲۳۷.
- رضوی فرد، بهزاد و حسن فقیه محمدی (۱۳۹۰)، "تکامل حقوق بزه دیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین المللی"، **فصلنامه حقوقی بین المللی**، شماره ۴۵: ۲۳۴-۱۹۵.
- رضوی فرد، بهزاد و مرضیه دیرباز (۱۳۹۲)، "حمایت‌های حقوقی دیوان کیفری بین المللی از بزه دیدگان"، **پژوهش حقوق کیفری**، شماره ۳: ۹۸-۶۷.

- رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۳)، "تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی آفریقایی؛ افسانه یا واقعیت"، *مجله حقوق دادگستری*، دوره ۷۸، شماره ۸۶: ۱۱۸-۹۳.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۷)، "صلاحیت جهانی و بی‌کیفری"، *مجموعه مقالات همایش مقابله با بی‌کیفری و سازمان ملل متحد*، تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، چاپ نخست.
- زمانی‌نیا، امیرحسین (۱۳۹۰)، "پیشینه و عملکرد دیوان کیفری بین‌المللی: از رم تا کامپالا"، در: *جمهوری اسلامی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی*، گردآوری و تنظیم رضا موسی‌زاده و اکبر امینیان، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک (پژوهشکده تحقیقات راهبردی: گروه پژوهش‌های بین‌المللی)، چاپ اول.
- سبزواری نژاد، حجت‌اله و پیمان‌نماین (۱۳۹۳)، "ارزیابی سیاست جنایی تقنینی بین‌المللی در تعقیب تروریسم با توسل به صلاحیت جهانی"، *فصلنامه رسالت حقوق کیفری*، شماره ۲.
- صابر، محمود و ولی‌الله صادقی (۱۳۹۲)، "آموزه‌شناسی مسئله صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به تروریسم"، *فصلنامه تعالی حقوق*، شماره ۴.
- عبداللهی، محسن (۱۳۹۳)، "بررسی جنایات گروه تکفیری داعش در عراق و سوریه از منظر موازین حقوق بین‌الملل و اندیشه اسلامی"، *میزگرد علمی*، تهران: کمیسیون حقوق بشر اسلامی.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۳)، "مواجهه با تروریسم: رویکرد نظامی، سیاسی و یا حقوقی"، *نامه مفید*، شماره ۴۳: ۱۶۸-۱۴۱.
- کرم‌زاده، سیامک (۱۳۸۱)، "کنوانسیون‌های ضدتروریسم و مسئله صلاحیت دولت‌ها در تعقیب و مجازات متهمان به ارتکاب اعمال تروریستی"، *نامه مفید*، سال هشتم، شماره ۳۳: ۸۸-۷۱.
- کوشا، جعفر و پیمان‌نماین (۱۳۸۷)، "جایگاه اعمال تروریستی در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری"، *فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)*، شماره ۳: ۲۵۶-۲۳۳.
- کوشا، جعفر و پیمان‌نماین (۱۳۸۹)، *جرم‌انگاری تروریسم و صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی*، در: *حق بر صلح عادلانه*، به اهتمام نادر ساعد، تهران: انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی، چاپ اول.
- گلدوزیان، ایرج و پیمان‌نماین (۱۳۸۹)، "راهبرد حقوق بین‌الملل کیفری در مواجهه با تروریسم"، *فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)*، شماره ۷: ۲۶-۱.
- گیلبرت، جف (۱۳۹۱)، *واکنش به جرائم بین‌المللی*، ترجمه پیمان‌نماین و رضا ایازی، تهران: پلیس بین‌الملل ناجا، چاپ اول.
- معظمی، شهلا و پیمان‌نماین (۱۳۹۳)، *حقوق مبارزه با تروریسم هسته‌ای در اسناد بین‌المللی*، تهران: دادگستر، چاپ اول.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۷۵)، *دادگاه کیفری بین‌المللی*، تهران: میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۷)، "بی‌کیفری ناشی از خلأهای موجود در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی"، *مجموعه مقالات همایش مقابله با بی‌کیفری و سازمان ملل متحد*، تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، چاپ نخست.
- میلانوویچ، مارکو (۱۳۸۸)، "اتهامات دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص رئیس‌جمهور سودان به دلیل ارتکاب نسل‌کشی، جنایات جنگی و ضد بشری در دارفور"، ترجمه پیمان‌نماین، *بولتن مرکز مطالعات*

عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۱.
 نامیان، پیمان (۱۳۸۸)، "بررسی دلایل جرم‌انگاری تروریسم در اسناد بین‌المللی"، *فصلنامه حقوق و مصلحت*
کمیسیون حقوقی و قضایی مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۴.
 نامیان، پیمان (۱۳۹۰)، "صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به تروریسم"، *فصلنامه*
مطالعات راهبردی، شماره ۵۱: ۸۴-۶۰.
 نامیان، پیمان (۱۳۹۰)، *واکنش‌های عدالت کیفری به تروریسم*، ترجمه، تهران: بنیاد حقوقی میزان به
 سفارش انجمن ایرانی حقوق جزا، چاپ اول.
 نامیان، پیمان (۱۳۹۱)، *حقوق بین‌الملل کیفری: چالش‌ها، هنجارها و راهبردهای مبارزه با تروریسم*،
 تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول.
 نامیان، پیمان و سبحان طیبی (۱۳۹۱)، "حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه"، *فصلنامه مطالعات*
بین‌المللی پلیس، شماره ۹: ۵۰-۳۹.
 نامیان، پیمان و محمد سهراب‌بیگ (۱۳۹۱)، "مبارزه با تروریسم؛ راهبردی مؤثر در تحقق صلح عادلانه جهانی"،
فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن (مرکز ملی مطالعات جهانی‌شدن ریاست جمهوری)، شماره
 ۶: ۱۱۴-۷۷.

منابع لاتین

- Aceves, William J. (2000), "Liberalism and International Legal Scholarship: The Pinochet Case and the Move toward a Universal System of Transnational Law Litigation", 41 *HARV. INT'L L.J.* 129.
- Ambos, Kai & Ignaz Stegmiller (2012), "Prosecuting international crimes at the International Criminal Court: is there a coherent and comprehensive prosecution strategy?", Springer, DOI 10.1007/s10611-012-9384-z.
- Anderson, Kenneth (2009), "The Rise of International Criminal Law: Intended and Unintended Consequences", *The European Journal of International Law*, Vol. 20, No. 2.
- Francis, L. & J. Francis (2010), "International Criminal Courts, the Rule of Law, and the Prevention of Harm: Building Justice in Times of Injustice", in: *International Criminal Law and Philosophy*, Larry May/ Zachary Hoskins (eds).
- Fry, James D. (2002), "Comment, Terrorism as a Crime against Humanity and Genocide: The Backdoor to Universal Jurisdiction", 7 *UCLA J. INT'L L. & FOREIGN AFF.*
- Golash, D. (2010), "The Justification of Punishment in the International Context", in: *International Criminal Law and Philosophy*, Larry May/Zachary Hoskins (eds).
- Gutman, Roy W. (2000), Remarks at the Dinner for Boston Area International Law Professors at New England School of Law, 6 *NEW ENG. INT'L & COMP. L. ANN.* 1, 2.

- Hall, C. (2010), "The Role of Universal Jurisdiction in the International Criminal Court System", in: *FICHL Publication Series No. 7, Complementarity and the Exercise of Universal Jurisdiction for Core International Crimes*, Morten Bergsmo (ed).
- Harms, Brian (2000), "Holding Public Officials Accountable in the International Realm: A New Multi-Layered Strategy to Combat Corruption", 33 *CORNELL INT'L L.J.* 159, 162.
- Kenya Election Violence: ICC Names Suspects, BBC NEWS, Dec. 15, 2010, <http://www.bbc.co.uk/news/world-africa-11996652>.
- Kuperstein, Slava (2010), Kenyans Question ICC Authority, *HUM. RTS. BRIEF*, Oct. 13, available at <http://hrbrief.org/2010/10/kenyans-question-icc-authority/>.
- Labott, Elise (2008), U.S. Libya Deal Closes Book on Lockerbie, CNN NEWS (Aug. 14), <http://edition.cnn.com/2008/WORLD/Africa/08/14/lockerbie/index.html>.
- Mazzochi, Sarah (2011), "The Age of Impunity: Using the Duty to Extradite or Prosecute and Universal Jurisdiction to End Impunity for Acts of Terrorism Once and For All", *NORTHERN ILLINOIS UNIVERSITY LAW REVIEW*, No. 14.
- Morris, Madeline (2005), "Terrorism: The Politics of Prosecution", 5 *CHI. J. INT'L L.* 405, 407.
- Morris, Madeline H. (2001), "Universal Jurisdiction in a Divided World: Conference Remarks", 35 *NEW ENG. L. REV.*
- Mullins, C. & Rothe, D. (2010), "Ability of the International Criminal Court to Deter Violations of International Criminal Law", *International Criminal Law Review*, 10 (5).
- Paulussen, Christophe (2012), Impunity for International Terrorists? Key Legal Questions and Practical Considerations, ICCT – *The Hague Research Paper*.
- Reynolds, Paul (2003), UTA 772: The forgotten flight, BBC NEWS (Aug. 19), http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/3163621.stm.
- Reynolds, Paul (2003), UTA 772: The forgotten flight, BBC NEWS (Aug. 19), http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/3163621.stm.
- Roht-Arriaza, Naomi (2001), "The Pinochet Precedent and Universal Jurisdiction", 35 *NEW ENG. L. REV.* 311, 311.
- Roth, Kenneth (2001), "The Case for Universal Jurisdiction", *FOREIGN AFFAIRS* (Sep./Oct.), <http://www.foreignaffairs.com/articles/57245/kenneth-roth/the-case-for-universal-jurisdiction>
- Rt. Hon. Colin Boyd (2001), Police Investigations of "Politically Sensitive" or High Crime Profile Crimes: The Lockerbie Trial, Presented at the International Society for the Reform

- of Criminal Law's 15th International Conference, 2-3 (Aug. 28), <http://www.isrcl.org/Papers/Boyd.pdf>.
- Rt. Hon. Colin Boyd (2001), Police Investigations of "Politically Sensitive" or High Crime Profile Crimes: The Lockerbie Trial, Presented at the International Society for the Reform of Criminal Law's 15th International Conference, 2-3 (Aug. 28), <http://www.isrcl.org/Papers/Boyd.pdf>.
- Schaack, Beth Van (2001), "In Defense of Civil Redress: The Domestic Enforcement of Human Rights Norms in the Context of the Proposed Hague Judgments Convention", 42 *HARV. INT'L L.J.* 141.
- Scharf, Michael P. (2001), "Application of Treaty-Based Universal Jurisdiction to Nationals of Non-Party States", 35 *NEW ENG. L. REV.*
- Scharf, Michael P. (2001), "Application of Treaty-Based Universal Jurisdiction to Nationals of Non-Party States", 35 *NEW ENG. L. REV.* 363, 369.
- Sponsler, Thomas J. (1969), "The Universality Principle of Jurisdiction and the Threatened Trials of American Airmen", 15 *LOY. L. REV.*
- Sponsler, Thomas J. (1969), "The Universality Principle of Jurisdiction and the Threatened Trials of American Airmen", 15 *LOY. L. REV.* 43.
- Sponsler, Thomas J. (1969), "The Universality Principle of Jurisdiction and the Threatened Trials of American Airmen", 15 *LOY. L. REV.* 43.
- Van Schaack, Beth (2001), "In Defense of Civil Redress: The Domestic Enforcement of Human Rights Norms in the Context of the Proposed Hague Judgments Convention", 42 *HARV. INT'L L.J.*

